

سیده نصرت بیگم امین (بانو امین)

بانو سیده نصرت امین، یکی از استوانه های فقاہت شیعه در سال 1274، در شهر اصفهان و در خانواده ای شریف، که نسب به حضرت علی علیه السلام می برد، متولد شد و پس از ازدواج و در منزل، از محضر استادان بزرگواری همچون آیات عظام نجف آبادی و زفره ای بهره برد ...



بانو سیده نصرت امین، یکی از استوانه های فقاہت شیعه در سال 1274، در شهر اصفهان و در خانواده ای شریف، که نسب به حضرت علی علیه السلام می برد، متولد شد و پس از ازدواج و در منزل، از محضر استادان بزرگواری همچون آیات عظام نجف آبادی و زفره ای بهره برد و با تلاش فراوان، به درجه اجتهاد نایل آمد و از سوی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و دیگر بزرگان، اجازه روایت دریافت کرد. این بانوی مجتهده پس از عمری تلاش در جهت تهذیب نفس و تربیت شاگردان گران قدر، در سال 1362 به دیار باقی شتافت.

در عالم اسلام، همواره زنان شایسته و متعهدی وجود داشته اند که در عرصه های فرهنگ و ادب و در جبهه های ایثار و تلاش، منشأ آثار و برکات فراوانی بوده اند.

با تکیه بر قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سیره معصومان علیهم السلام، ارج نهادن به زنان و ادای حقوق آنان همواره موجب رشد و پیشرفت زنان مسلمان در جامعه اسلامی بوده است. نمونه والای این زنان شایسته و والامقام در تاریخ اسلام، شخصیت های ارجمندی همچون حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، زینب کبری علیها السلام، و سکینه بنت الحسین علیها السلام می باشند.

در مقاطع گوناگون تاریخ اسلام نیز همواره زنان فداکار، عالم و متقی فراوانی وجود داشته اند که تربیت مردان شایسته روزگار را به عهده داشته و مرتبی لایق و ارزشمندی برای جامعه بوده اند. در مکتب شیعه، نمونه های بسیاری از این قبیل بانوان به چشم می خورند که از جمله آن ها می توان به مادر گرامی سید رضی و سید مرتضی، دختر شیخ طوسی و نیز دختر محمدتقی مجلسی، یعنی آمنه بیگم، اشاره نمود.

اگرچه در دوران شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، زنان شایسته جامعه ما، که برخوردار از تربیت صحیح و صاحب ارزش ها و معیارهای اسلامی بوده اند، به شایستگی توانسته اند قدر و منزلت زن مسلمان را به جهانیان نشان دهند و گذشت، ایثار و تقوای مادران و همسران شهدای گران قدر، به ویژه در دوران جنگ تحمیلی، نمونه بارز این مدعاست؛ با این حال، بزرگداشت و تجلیل از زنان نمونه مکتب اسلامی، وظیفه ای است که باید همواره در انجام آن کوشید. از این رو، بجاست نگاهی گذرا داشته باشیم به شخصیت یکی از اسوه های عالی قدر جامعه، که از مراتب علمی و عملی والایی برخوردار و بحق از مفاخر زنان دنیای اسلام است، و خاطر آن استوانه علم و تقوارا ارج نهمیم.

این بانوی مجتهده، بزرگواری و متواضع، سیده نصرت امین است که مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای مدّ ظلّه العالی درباره اهمیت بزرگداشت ایشان فرمودند: [#171&](#)؛ تجلیل از این بانوی اصفهانی (خانم امین) و ارائه شخصیت عرفانی و فقهی و فلسفی برجسته یک زن در کشور ما، کاری سودمند و در جهت احیای ارزش های اسلامی در زنان، به نظر می رسد. (2»)

و به راستی شخصیت علمی و تقوایی این دانشمند ربّانی، خود حجّتی است بر اینکه زنان متعهد جامعه اسلامی می توانند با طی مدارج عالی علم و معرفت، خود را از محرومیت هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آن ها، بلکه بر اسلام و مسلمانان، همواره تحمیل کرده است، برهانند و وجودشان منشأ خدمات عظیم و ارزشمند علمی و فرهنگی قرار گیرد.

حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایرانی) در سال 1274 ش(3) در اصفهان متولد شد. پدر ایشان حاج سیدمحمدعلی امین التجار اصفهانی، فردی مؤمن و سخاوتمند بود و مادرش بانوی شریف، متعبّد و خیرخواه. حاج سیدمحمدعلی، پسر سیدحسن و نوه علامه مجاهد و وارسته، سید معصوم حسینی خاتون آبادی(4) بود که از نظر نسب، بسیار شریف است.(5)

خاندان جنابی ها، دودمان مادر این کودک، مؤمن و از سادات باشرافت اصفهان و از علما و شاعران و هنرمندان اصفهانی در عهد صفویه بودند. (6) خداوند پس از سه فرزند پسر، این دختر را به ایشان عطا کرد. مادر ایشان، با روشن بینی در چهارسالگی، فرزند خویش را برای آموزش قرآن و فراگیری و خواندن و نوشتن به مکتب خانه «خدیجه بیگم« فرستاد، در حالی که فضای حاکم بر آن ایام به گونه ای بود که کمتر خانواده ای به خود اجازه می داد دخترش را برای کسب دانش به مکتب یا مدرسه بفرستد، و چه بسیار والدینی که آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را برای دختران خود جایز نمی دانستند. (7) بدین سان، بانو امین به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سیزده سالگی رشد و پویایی او برای پدر و مادرش آشکار شد و از این رو، در میان خواستگاران زیادی که داشت، پسرعمویش، حاج میرزا آقا، ملقب به «معین التجار« را برگزیدند و مقدمات ازدواج او فراهم گردید. در تمام مدتی که در خانه پدر و مادر به سر می برد، پدر و مادر مراقب او بوده و در تربیت صحیح او همت می گماشتند. (8)

از این پس، بانو امین به خانه داری و تربیت فرزندان مشغول شد، اما این امر نیز نتوانست مانع ادامه تحصیل و عشق به مطالعه و تحقیق او در معارف اسلامی شود. وی صاحب هشت فرزند شد که هفت تن از آنان در زمان حیات ایشان به مرگی زودرس درگذشتند و فقط یک پسر برای ایشان باقی ماند. خود بانو امین این واقعه را ابتلا و آزمایش حق تعالی تعبیر می کرد. (9)

این بانوی بزرگوار علوم گوناگون را در منزل و نزد استادان بزرگوار که به منزل ایشان می آمدند، فرا گرفت. ایشان غرق در معارف معنوی گردید و با توجه به سیر و سلوک عملی و تلاش فراوان جهت فراگرفتن علوم قرآنی، به مقامات والایی دست یافت؛ چنان که در این باره آمده است:

در پرتو معتقدات دینی، معنوی و قلبی اش، که در ارتباط با منبع فیض الهی بود، رشد یافت و همان گونه که در کتاب نفیس نفحات الرحمانیه که به زبان عربی نگارش یافته خود معترف است، چنان به مبدأ اقیانوس الهی وابسته بود که نغمات ملکوتی گل ها و ریاحین را به گوش جان می شنید و تا سن چهل سالگی، دوران تهذیب و ریاضت را پشت سر گذاشت و پس از آن، مراحل ترقی و کمال را طی نمود. (10)

بانو امین پس از آنکه صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و فلسفه را آموخت، به مطالعات خود در سطوح عالی ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. جدّیت وی در امر تحصیل، به حدّی بود که می فرمود: «هیچ چیز نمی تواند کلاس درس را تعطیل کند، حتی مرگ فرزند.«

یکی از استادان بانو امین، مرحوم آیه الله حاج میرسیدعلی نجف آبادی، نقل کرده است: «روزی شنیدم فرزند ایشان فوت شده است، فکر کردم خانم دیگر درس را تعطیل خواهد کرد، ولی برعکس، دو روز بعد کسی را به سراغم فرستاد که برای تدریس به منزل ایشان بروم، و من از علاقه ایشان به درس و تحصیل، سخت تعجب کردم.« (11)

بانو امین با داشتن استعداد سرشار و تلاش شبانه روزی و اراده استوار و بردباری بسیار در برابر شداید و مشکلات، پس از سال ها تحصیل و پشت کار مداوم به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شد.

قریب چهل سال از عمر پربار ایشان می گذشت که مورد آزمون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی قرار گرفت و به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. (12) ایشان از آیه الله میرزا آقا اصطهباناتی و آیه الله شیخ محمدرضا ابوالمجد نجفی اصفهانی نیز اجازه روایی و اجتهاد دریافت کرد. (13)

مقام شامخ علمی و معنوی این بانوی فرزانه از اجازه روایت آیه الله شیخ محمدرضا ابوالمجد نجفی به خوبی استنباط می شود که درباره بانو امین فرمود: «به این سیده دانشمند و شریف، گوهر گران قدر مستور، گل سرسبد باغ فرزندان زهرای اطهر، بانوی فرزانه، حکیم و عارف کامل ... اجازه دادم که روایت کند از من، هر چه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه.« (14)

نتیجه آن همه کوشش و تلاش علمی، که زمینه آن را تقوای عملی و زهد آن بانوی پرهیزگار فراهم کرده بود، چنان بود که حتی دانشمند بزرگ، فقیه اهل بیت و رجالی عظیم الشأن، آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، از خانم امین درخواست اجازه روایت نمود، و ایشان در قسمتی از این اجازه نامه که به تاریخ اول محرّم الحرام 1358 ق، برای آیه الله مرعشی نوشته، چنین آورده است: «پس از استخاره، به ایشان اجازه دادم که روایت کند از من، هر چه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه و غیراین ها که از تألیفات شیعه آنچه اصحاب از غیر شیعه روایت کرده اند، به جمیع طرقی که معلوم و در خود مضبوط است.« (15)

مرتبت و موقعیت علمی و عرفانی ایشان به آنجا رسید که اکابر و اعظامی از علما و عرفا حضور در محضر ایشان را مایه فیض می دانستند. وی در مقام تنها بانوی مجتهد عصر خود قرار گرفت و علما و افراد چندی از نقاط دور و نزدیک برای ملاقات و گفت و گو نزد ایشان می آمدند. نمونه های بارز آن، تشریف فرمایی مفسر بزرگ قرآن، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی و فیلسوف تلاشگر استاد محمدتقی جعفری و علامه بزرگوار و مبارز شیخ عبدالحسین امینی صاحب کتاب الغدیر و بزرگان دیگری بود که با ایشان به مذاکره نشستند و گاهی به وسیله نامه با ایشان مکاتبه داشتند. (16)

استاد دانشمند مرحوم آیه الله محمدتقی جعفری رحمه الله، مقام علمی و عملی این بانو را چنین توصیف نموده است:

«با توجه به آثار قلمی که از این خانم در دسترس ما قرار گرفته، به طور قطع می توان ایشان را از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نموده و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظریه مقامات عالیه روحی، ایشان را از گروه نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد که به اضافه فراگرفتن دانش، به تولد جدید در زندگی نایل می شوند.«(raquo;

بانوی مجتهده امین، از محضر استادان گران قدری بهره مند شد که در ذیل، به برخی از آنان اشاره می شود: آیه الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی (12721353 ق)؛ این فقیه بزرگ و مجتهد بنام، از استادان میرز فقه و اصول در اصفهان بود. ایشان علوم اسلامی را در اصفهان نزد استادانی همچون آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، حاج شیخ محمدباقر مسجدشاهی و آقامیرزا محمدمحسن نجفی فراگرفت، سپس به عتبات سفر کرد و در نجف اشرف از محضر پرفیض مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری، بهره ها برد. در سامراء نیز از محضر مرحوم آقا میرزا محمدحسن شیرازی مستفیض شد و سرانجام، به مقام رفیع اجتهاد نایل آمد.(18)

حجة الاسلام والمسلمین میرزا علی اصغر شریف (م 1384 ق)؛ ایشان، که فرزند حاج محمدباقر است، استاد ادبیات و سطوح در حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت یکی از مساجد آن شهر بود و عمری طولانی داشت.(19) هنگام وفات این استاد، بانوی ایرانی هشتاد ساله بود.(20)

حضرت آیه الله میرزا علی آقا شیرازی (12941374 ق)؛ این حکیم فرزانه، فقیه بزرگوار، مفسر عالی قدر، عارف سالک، ادیب کامل و طبیب ماهر در زهد، تقوا، اخلاق و عرفان، از نوادر زمان خود بود. ایشان، که فرزند علی اکبر شیرازی است، در حوزه علمیه اصفهان نزد استادانی همچون علامه سیدمحمدباقر درچه ای و حاج آقا حسین بروجردی و ... تلمذ کرد. همچنین در فلسفه، از فیلسوفان نامی مرحوم جهانگیرخان قشقایی و مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی مستفیض شد و طب را نیز از محمدباقر حکیم باشی فراگرفت. آن گاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا از درس آیات عظام شیخ الشریعه اصفهانی، آقا سیدمحمدکاظم یزدی و آخوند خراسانی بهره ها برد و به مقامات علمی والایی رسید. پس از آن به اصفهان آمد و تا پایان عمر بابرکت خود، به تعلیم و تربیت افراد با استعداد پرداخت.(21)

حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای (م. 1352 ق)؛ ایشان که معروف به «حاج آخوند« بود، از مدرّسان سطوح در حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفت. وی در فضل و زهد شهره بود و شاگردان فراوانی تربیت کرد.(22) هنگام مرگ این استاد بزرگوار، بانو امین 48 ساله بود.(23)

حجة الاسلام حاج آقا حسین نظام الدین کچویی؛(24)

آیه الله میر سیدعلی نجف آبادی (12751362 ق)؛ ایشان، که دریایی بیکران از علوم اسلامی بود، در رأس استادان بانو امین جای داشت و از بزرگان مجتهد و اعظم مدرّسان حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفت و همواره در مراحل تحصیل بانو امین، نقش مهمی داشت.(25) مجتهد گران قدر فقه، اصول و حکمت را نزد آیه الله نجف آبادی خوانده است. ایشان درباره بانو امین گفته است: «حکمت را دایی ام به من درس داد و یکی نیست که من به او درس بدهم. من می خواهم به این خانم درس بدهم که از من یادگاری باقی مانده باشد.«(raquo;26) سخن ایشان به این معناست که ظاهراً کسی که ظرفیت درک مفاهیم بلند حکمت را داشته باشد، در آن روز نبوده و تنها بانو امین این ظرفیت را داشته است. زمانی که بانوی اصفهانی کتاب خود به نام اربعین هاشمیه را نوشت و کتاب به حوزه علمیه نجف رسید و علما از آن استقبال کردند، آیه الله نجف آبادی در تکمیل تشویق های علما گفتند: «بانو امین هر چه در این کتاب نوشته اند، از تراوشات فکری خودشان بوده و ربطی به تعلیمات من ندارد.«(raquo;27)

عظمت کار بانوی ایرانی و تلاش های مستمر وی در آن زمان که زنان و دختران حق خروج از خانه نداشتند، درخور توجه است. البته ایشان به دلیل اینکه اوقات زندگی خود را به فراگیری درس و علم می گذراند، بیشتر در خانه بود و کمتر از خانه خارج می شد، ولی در ایّامی که لازم می دید باید دفاعی صورت بگیرد و کاری انجام شود، از منزل خارج می شد و به تدریس و راهنمایی بانوان می پرداخت.

از دوران قاجار که بگذریم، دوران رضاخان تقریباً مقارن با اندیشه تجدّدخواهی و تبلیغات وسیع اسلام زدایی، بخصوص در اصفهان، بود. در آغاز این دوره، خانم امین 35 ساله بود و اصفهان هم در این ایّام، حوزه های علمیه متعدد داشت. این شهر پس از تهران، آماج فعالیت های تجدّدخواهی بعضی خانم ها قرار گرفت. مجری این فعالیت ها، خانم صدیقه دولت آبادی بود که می گویند: حتی پانزده سال قبل از جریان کشف حجاب، به طور رسمی حجاب خود را برداشته بود. دولت آبادی کانونی هم به نام «کانون بانوان« دایر کرده بود که پس از برداشتن حجابش و ظاهر شدن در ملأ عام، مردم این کانون را آتش زدند. البته افرادی مانند خانم دولت آبادی کم نبودند؛ زنان بسیاری بودند که فکر می کردند اگر در این گونه مراسم شرکت کنند، «متجدّد« خوانده می شوند. به هر حال، موج تجدّدخواهی مانع ترویج اندیشه و تفکر دینی، بخصوص در بین بانوان، شد و از اینجا می فهمیم که خانم امین چه حرکت عظیم و برجسته ای شروع کرد و آن را به انجام رساند.

رضا خان آرمان های جدید و کاذبی داشت و ایدئولوژی مخصوص خود را ترویج می کرد؛ مثلاً، تجدّدخواهی را مبتنی بر ناسیونالیسم افراطی قرار داده بود که دارای دو محور بود: تحقیر و محو آثار تمدن اسلامی؛ برگشت به ایران قبل از اسلام.

اتفاقاً در همین زمان بود که خانم امین از نام مستعار «بانوی ایرانی« استفاده کرد. چون رضا خان می خواست زن ایرانی را به دوران قبل از اسلام برگرداند و هویت و اصالت را به آن دوران نسبت دهد، خانم امین می خواست بگوید: بانوی ایرانی این زمان، بانویی است که از اسلام و دوران عهد اسلام، زندگی نوین خود را شروع کرده و در دوران قبل از اسلام، هویت و اصالتی نداشته است، اما از زمانی که اسلام به ایران وارد گردیده و ایرانیان مسلمان شده اند، هویت اصلی و واقعی زن ایرانی شکل گرفته است. ایشان در مقابل ناسیونالیسم افراطی رضا خان، خود را «بانوی ایرانی« لقب داد. (28)

در آن دوران سخت حاکمیت، که استبداد رضا خان برای زدودن ارزش های اسلامی و احکام قرآنی قد علم نموده بود، این بانوی بزرگوار در عین تحصیل و تدریس، به دفاع از معیارها و موازین شرعی پرداخت. سال 1310 مقدمه کشف حجاب بود و سال 1311 کنگره «زنان شرق«، که خانم دولت آبادی در آن شرکت داشت، برگزار شد و از این پس، کشف حجاب به صورت رسمی صورت گرفت. می گویند: در همین موقع بود که خانم امین، کتاب روش خوشبختی را نوشت. در جایی از این کتاب، با ذکر این نکته که «همان گونه که اگر عضوی از اعضای بدن به بیماری مبتلا شود، سایر اعضا سالم نمی مانند«، این تأثیرپذیری را متذکر می شود. در این کتاب آمده است: «اگر زنان یک جامعه که از ارکان آن هستند فاسد شوند، جامعه ای را به فساد می کشند، بخصوص اگر فساد یا گناهشان علنی باشد.« (29)

ایشان می گوید: «ای بانویی که با ادعای مسلمانی کشف حجاب نموده ای و با این وضعیت شرم آور علنی در معابر و خیابان ها، خودآرایی می نمایی! آیا فکر نمی کنی که با این عمل، که نباید آن را عمل کوچکی بینداری، چه لطمه بزرگی به شریعت می زنی؟ ای بانوی اروپایی منش! این گناه را کوچک مشمار و اگر واقعا مسلمانی، این طریق مسلمانی نیست. اگر عقیده به تعلیمات اسلامی نداری، بی دینی خود را اعلام کن، که عمل قبیح تو باعث جرئت دیگران نشود؛ و اگر علاقه مند به شریعت نیستی، دشمنی چرا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله با صنف زن بد نکرده، در زمانی که زن ها در جامعه هیچ ارزشی نداشتند، برای زن حقوق قایل شده و زن را در تمام شئون اجتماعی، در ردیف مردها قرار داده است.« (30)

بانوی مجتهده امین نه تنها در مسائل علمی و عملی، بلکه در توجه به نیازهای جامعه نیز بسیار دقیق بود، به طوری که اخلاق و رفتارشان در شاگردان ایشان تأثیر عمیقی داشت. وی دانشگاهی در اصفهان به نام پُربرت «مکتب فاطمیه« تأسیس نمود که تشنگان علم و دانش از آن سیراب می گشتند و جا دارد که بگوییم در این مکتب، دانش پژوهانی پرورش یافتند که بسیاری از آنان اینک صاحب تألیفات و آثار پُر ارجی هستند. شاگردان این بزرگوار نقل کرده اند ایشان در عین تواضع و سادگی، دارای جاذبه معنوی و ابهت خاصی بود و کتاب روش خوشبختی را به زبان ساده، شیرین و دلپذیر، به عنوان زیربنای معتقدات اخلاقی، تدریس می نمود. تمام زندگی اش در امر تعلیم و تربیت و تحقیق و تألیف و حفظ مکتب خلاصه شده بود. از جمله ابعاد شخصیت این بزرگوار، دیانت و اعتماد به نفس بود و به همین دلیل بود که پرورش یافتگان او از این فضایل معنوی بهره مند می شدند. او دانش را راهگشای حیات بشری می دانست و عقیده داشت باید از گنجینه های گران قدر بشری استفاده نمود. عشق و علاقه او به قرآن کریم در قالب زبان و بیان نمی گنجد و تفسیر مخزن العرفان او در پانزده جلد، خود دلیل این اشتیاق است.

یکی از پرورش یافتگان محفل پرفیض بانو امین در باب نظم، تدبیر و عظمت معنوی وی می گوید: «در مورد زندگی خانم امین، باید بگویم که در تنظیم وقت، ابتکاری عجیب داشتند و چنان اوقات خود را تنظیم می کردند که به تمام کارهایشان می رسیدند. گویا خداوند به وقت ایشان هم برکت داده بود. هرگز از حوادث نمی ترسیدند و در کارها به خدا توکل می کردند و از میهمانان با خوش رویی و سادگی پذیرایی می کردند. می خواستند جوانان را بدون اجبار و با منطق جذب اسلام کنند. اکنون که بهار زندگی را پشت سر گذاشته ام، درمی یابم که هیچ محبت و صمیمیتی را به گرمی و پررنگی مهربانی های بی ریای ایشان ندیده ام، و هیچ انگشت محبتی را به شیرینی آن انگستان، که الفبای کلام خدا را به من یاد داد، نگرفتم. اگر بخواهم ایشان را وصف کنم، شاید کتاب ها شود، اما زبان، یارای بیان و قلم، یارای نوشتن و کاغذ، گنجایش این توصیف را ندارد. باید از آثار این بزرگ بانو استفاده کرد تا بتوان به شخصیت ایشان پی برد. ما را که وجودمان همه ناتوانی بود، پر از شور توانستن کرد و ذهن خاموشمان را پر از غوغای خواستن. او سیمرغ جانمان را از حوض ذلت به اوج عزت پرواز داد. بنابراین، ایشان در خاطرم جاودانه است.« (31)

تمام شاگردان و پرورش یافتگان محضر بابرکتش، بجز جهات علمی و آنچه مربوط به علوم قرآنی و دانش های الهی می شد، در درجه اول، درس معرفت می آموختند. رفتار و سلوک بانوی مجتهده مهم ترین مطلبی است که آنان را جذب خود می نمود.

یکی دیگر از درس آموختگان ایشان می گوید: «اولین برخورد من با ایشان مانند یک بیمار بود. در خودم خیلی احساس دردمندی می کردم و احتیاج به طبیب حاذقی داشتم. بیانات و چهره ایشان برای من دارویی بسیار مؤثر بود. این طبیب و عارف و حکیم، در همان برخوردهای اولیه، بیماری مرا تشخیص دادند. همان طور که خودشان بیان می فرمودند، دارویی که طبیب می دهد تلخ است، ولی شفایش شیرین است ... من برایشان از ناراحتی هایم گفتم و ایشان توجه پیدا کردند که من احتیاج به کمک دارم. ایشان قدرت تشخیص داشتند و با یک نگاه عمیق متوجه می شدند که

طرف چه می خواهد. بعد به من سفارش کردند که اگر مایلی کتاب حقایق فیض کاشانی را به تو درس بدهم؛ چون چندین مرتبه خودم این کتاب را مطالعه کرده ام و می دانم که خیلی برای شما مناسب است. من هم قبول کردم و درس شروع شد. در کنار آن، کتاب های سیر و سلوک و اخلاق و معاد هم تدریس می شد. ناگفته نماند، ایشان می فرمودند که معاد فقط و فقط از ذهن خودم سرچشمه گرفته است؛ آن چیزی را که خودم از معاد فهمیدم، با قلم روی کاغذ آوردم و مطالب آن را از هیچ جا نگرفته ام.

اگر یک روز خدمت ایشان نمی رفتم، خدمت کارشان را می فرستادند و می پرسیدند که چرا نیامدی؛ و من به هر طریقی بود، خودم را به حاج خانم می رساندم. روزی خدمت کارشان آمد و گفت که حاج خانم مریض شده اند و گفته اند که خانم غازی را خبر کن. من خدمت ایشان رسیدم، گفتند: برای من حمد بخوان: گفتم که من قابل نیستم برای شما حمد بخوانم. فرمودند: بخوان تا قلب من روشن شود. من کنار تختشان نشستم و دستشان را گرفتم و شروع به خواندن هفتاد مرتبه حمد کردم. همین طور که حمد می خواندم، در خود فرو رفته بودم که من قابلیت ندارم، خودشان منبع عرفان و شناخت و موحد حقیقی هستند. ناگهان، نگاهم به بیرون افتاد. درختان را شاهد گرفتم و گفتم: خدایا، تو می دانی در قیامت تمام این درختان شهادت می دهند که این شخصیت، که الان در بستر افتاده است، در شبانه روز چقدر با خدا مناجات داشته است. بعد از این، احساس کردم که همه درختان حمد می گویند. بدنام شروع کرد به لرزیدن. آنچه را مشاهده کرده بودم، به حاج خانم گفتم. آهی کشیدند، دست روی قلبشان گذاشتند و فرمودند که حال خوب شد و احساس آرامش می کنم. سپس "اِتا انزلناه" را خواندند و از جا برخاستند و فرمودند که قلبت تا اندازه ای روشن شده است، مواظب باش آن را کدر نکنی، به دنبالش برو.

ایشان بسیار متواضع و فروتن بودند و با مهربانی و دل سوزی، دلشان می خواست به همه کمک کنند؛ کمک فکری، کمک علمی، کمک اخلاقی.

روی تحصیلات بالا تأکید داشتند، اما می فرمودند: علم با عمل، علم با تهذیب، علم با تزکیه؛ اگر علم بدون تزکیه شود، برای انسان غرور و حجاب می آورد؛ ممکن نیست که انسان بتواند صعود کند، سقوطش حتمی است. می فرمودند: نفس را تزکیه کنید که بعثت انبیا به همین دلیل بود. (32»)

تَسَبُّبِ ایشان با سی واسطه به امام علی بن ابی طالب علیه السلام می رسید. وی در بیان مقام و موقعیت خاندان عصمت و طهارت و منزلت و جایگاه آنان، تلاش می کرد، به طوری که عشق و علاقه اش به مقام والای ولایت در کتاب مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی علی علیه السلام، روشنگر این حقیقت است. در سخنانش روح صفا و صمیمیت جلوه گر بود. (33)

بانو امین از شیفتگان و معتقدان به انقلاب اسلامی ایران و رهبری عظیم الشان آن بود. در این باره، یکی از شاگردان ایشان آورده است: «؛ در سال 59 که حاجیه خانم امین اصلاً نمی توانستند از منزل خارج شوند، از طریق تلویزیون در جریان انقلاب قرار داشتند. موقعی که امام رحمه الله از تلویزیون سوره «؛ حمد»؛ را تفسیر کردند، شیفته بیان و مطالب امام شده بودند و به من فرمودند که کتاب های امام را داری؟ گفتم: بله، فرمودند: بیاور تا مطالعه کنم. کتاب ها را خدمتشان بردم. روز بعد از مطالعه کتاب های امام، ایشان به من فرمودند که معرفت امام بالاست و عرفان ایشان به حدّ اعلاّی خود رسیده است. اگر کسی خواست خدای ناکرده تهمت بزند یا توهینی بکند، از قول من بگویند که بد می بینی. مبدا یک وقت خدای ناکرده توهین کنید؛ چون معرفت ایشان بالاست که می تواند این کارهای محیرالعقول را انجام بدهد. حاج خانم خیلی شیفته کتاب ها و بیانات امام شده بودند؛ قدر زر، زرگر شناسد، قدر گوهر، گوهری. (34»)

حضرت امام رحمه الله نیز جویای احوال بانوی مجتهد می شدند. یکی از روحانیان اصفهان در این خصوص می گوید: «؛ چند مرتبه که حضور حضرت امام رحمه الله مشرف شدم، ایشان جویای حالات و اشتغالات و سلامتی بانوی مجتهد امین شدند، و در مقابل، به منزل حاجیه خانم امین که می رفتم، بانوی ایرانی مقید بودند برای سلامتی حضرت امام رحمه الله و موفق شدن ایشان و پیشرفت در اهداف مقدّس اسلامی دعا کنند و ایشان ابلاغ سلام خدمت معظمّ له را ترک نمی کردند. (35»)

کتاب هایی که از بانو امین به یادگار مانده اند، معرفّ روح لطیف و متعالی ایشان هستند و می توان گفت: بهترین راه شناخت و معرفی ایشان، آثار قلمی این بانوی فاضله است. بنابر تصدیق یکی از بستگان نزدیک ایشان، «؛ این بانو وقتی قلم به دست می گرفت و مشغول نوشتن می شد، اصلاً خط خوردگی در آن دیده نمی شد. (36») و این خود نشانگر امدادهای غیبی و افاضات رحمانی است. به همین دلیل، همواره تأکید داشت که ناشناخته بماند و کتاب های خود را با نام «؛ بانوی ایرانی»؛ یا «؛ بانوی اصفهانی»؛ به چاپ می رساند. کتاب هایی که ایشان نگاشته و به چاپ رسیده، عبارتند از:

1. اربعین الهاشمیه (عربی)

اولین تألیف گران مایه ایشان و مشتمل است بر چهل حدیث در توحید و صفات حق تعالی و اخلاق و احکام شرع و متضمّن بیانات فلسفی، عرفانی و اصولی و فقهی. این کتاب به زبان عربی نگاشته شده و توسط شاگرد ایشان حاجیه خانم

همایونی به زبان فارسی ترجمه گردیده است. محتوای این کتاب به قدری دقیق و با اهمیت است که علمای نجف و بعضی مراجع تقلید را بر آن داشت تا سؤالات و امتحانات متعددی پیرامون فقه، اصول و دیگر مبانی از مؤلف آن به عمل آوردند که از عهده تمامی این آزمایش های صعب به خوبی برآمد و به درجه اجتهاد نایل گردید. (37)

2. جامع الشئآت (عربی)

این کتاب مشتمل بر پرسش های متعددی است که استادانی همچون محمدعلی قاضی طباطبائی، شیخ محمد طه هندوای نجفی زاده و سیدحسن حسینی از ایشان پرسیده اند و پاسخ های مبسوطی که این عالمه برای آنان تحریر کرده است. این پرسش ها و پاسخ ها توسط شیخ مرتضی مظاهری نجفی جمع آوری و تنظیم شده اند. (38)

3. معاد یا آخرین سیر بشر

این کتاب متذکر می شود که برای انسان غیر از نشئه دنیوی، نشئه دیگری در پیش است که ناچار باید در سیر تکاملی، از تمام آن نشئات و مراحل عبور کند و سرانجام، به عالمی برسد که فوق آن عالمی نیست و آن را «معاد و قیامت« گویند. مطالب مندرج در کتاب، در قالب نه مقاله نگاشته شده اند. (39)

4. نفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه (عربی)

این کتاب در واقع، واردات قلبی و خاطراتی است که مؤلف در سلوک الی الله به واسطه فیض حق دریافته است. در نفعه 21 از این کتاب می فرماید: «شب نهم محرم 1359 نشسته بودم و با خود فکر می کردم که آیا دنیا را دوست می داری؟ چقدر به دنیا علاقه مندی؟ و تقریباً خودم را نصیحت می کردم. ناگهان هاتف غیبی به من گفت که اگر دنیا را دوست می داری، نه برای دنیاست، بلکه برای این است که دنیا مظهر جمال و جلال حق تعالی است، و هر جای این دنیا را که تماشا کنی، محبوب خود را می یابی. وقتی هاتف غیبی به من این اشاره را کرد، متوجه شدم که حب من نسبت به دنیا، برای دنیا نیست، بلکه برای این است که دنیا محل جمال و جلال و تماشای حق است. لذا، از پروردگار خویش و از محضر حضرت حق خواستم که به من عمری دهد تا با چشم جلال و جمال را تماشا کنم، و با گوشم صفات حق تعالی را از علما بشنوم، و با زبانه صفات جمال و جلال حق را بنویسم، و با تمام وجودم و با تمام اعضا در خدمت حضرت حق و بیداری مردم باشم.«

در این قسمت از نفحات می فرماید: «بعد از این، خداوند به من چهل سال عمر داد و توانستم قرآن را تفسیر و مردم را هدایت کنم.«

در میان آثار بانو امین، این کتاب تنها کتابی است که به عربی بوده و به فارسی ترجمه نشده است. دلیل این امر از زبان یکی از شاگردان آن مجتهد این گونه بیان شده است: «ایشان در زمان حیات خود ابا داشتند از اینکه کتاب را به کسی بدهند؛ چون مربوط به حالات عرفانی و قلبی شان بود. به خاطر دارم که خانمی نامه نوشته و کتاب نفحات را خواسته بود. حاج خانم فرمود: من می ترسم این کتاب را دست کسی بدهم؛ چون ممکن است نسبت هایی به من بدهند؛ اما در هر صورت، کتاب را برای آن خانم فرستادند. دو ماه بعد نامه ای از آن خانم رسید که ایشان را خیلی نازاحت کرد، فرمود: "فهمیدید چه شد؟ مرا صوفی خطاب کرده اند. به همین دلیل، من نمی خواستم کتاب را به کسی بدهم." از این رو، کتاب ترجمه نشده است.«

5. اخلاق

این کتاب اقتباسی است از طهارة الاخلاق ابن مسکویه که قسمتی از آن ترجمه شده و نظراتی که خانم امین در این باره داشته اند نیز در حاشیه آن اضافه شده است. کتاب دارای جنبه علمی، عملی و اخلاقی است و مشتمل بر نکات و دقایق و لطایف می باشد. (42)

6. تفسیر مخزن العرفان (فارسی)

این کتاب، تفسیر جامعی از قرآن کریم است که در 15 جلد به چاپ رسیده است. در حین نگارش این اثر عظیم، خانم سیده امین، پس از تفسیر دو جزء اول، از بیم آنکه برای خاتمه کارش، عمر وفا نکند، به تفسیر جزء سی ام دست می یازد و به ترتیب آن را ادامه داده، تا سرانجام در اواخر عمر، این مجموعه به پایان می رسد. به این صورت، اراده خداوند متعال بر این قرار گرفت که این مجتهد فرزانة، تنها بانوی مفسر جهان اسلام باشد که قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر نموده است. (43)

7. روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی

در این کتاب سعی شده است معنای «سعدت و خوشبختی« و راه نیل به آن با زبانی ساده و همراه با اندرزهای نیکو به خواهران ایمانی ابلاغ شود. برای این منظور، پس از ارائه توضیح پیرامون دو رکن خوش بختی؛ یعنی «آسایش بدن و صحت مزاج« و «دیگری«، آسایش فکر و استراحت خیال و آرامش روح«، که در نتیجه رعایت دو اصل اساسی «عقاید صحیح و ایمان به مبدأ و معاد« و «اخلاق نیکو« حاصل می شود، به ارکان دین و ایمان می پردازد. در پایان کتاب نیز مباحث آموزنده ای پیرامون معنای توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و شفاعت؛ مبارزه با خرافات و وسواس؛ توصیه به خواهران ایمانی؛ امتیازات، خصوصیات و شرافت زن؛ تهذیب اخلاق؛ و اصول اخلاق نیک، مطرح شده اند. (44)

8. مخزن اللالی در مناقب مولی الموالی، علی علیه السلام

این کتاب در یک مقدمه، پنج باب و یک خاتمه به ذکر فضایل و مناقب مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام،

محتوای این کتاب در کشف و شهود و سیر الی الله است. در بخشی از این کتاب، در بحث #171؛ فنا و بقا؛ چنین آورده است: #171؛... تا از خود فانی نگردی، به او باقی نباشی؛ و تا هر چه داری از دست ندهی بر حریم قدس پی نبری؛ و تا به قدم امیدواری سیر راه دور و دراز نمایی، در منزل امن و امان نیاسایی؛ و تا زحمت ریاضت و طاعت نکشی، هرگز به راحتی نرسی؛ و تا تلخی فراق نچشی، به شیرینی وصال خرسند نگردی؛ تا آتش غضب خود را فرو ننشانی، به رحمت الهی نپیوندی؛ تا به ناگواری صبر در سختی ها نسازی، به شیرینی نعیم همیشگی متلذذ نشوی؛ تا ترک لذات خیالی طبیعی نکنی، محبوب حق تعالی نگردی؛ اگر طوق بندگی به گردن اندازی، سلطان السلاطین گردی؛ و اگر در دنیا زهد ورزی، و عازم سفر به سوی حق شوی، در منزلگاه قرب ساکن شوی؛ اگر به پیشگاه خداوندی اش رسی، تمام ممکنات، تو را بندگی نمایند... (46؛ raquo)

در بررسی آثار ترتیبی بانو امین، که عمده آثار ایشان در این زمینه اند، بیشترین حجم مطالب در زمینه توصیه شیوه های تربیتی و روش های تهذیب نفس و تزکیه باطن است؛ چنان که در کتاب سیر و سلوک، که در کشف و شهود و سیر الی الله به استناد سیر العباد الی المعاد است، مدارج و مراحل کمال انسانی را این گونه بیان می کند: #171؛ کسی که مایل به پیمودن راه حق گردد و اشتیاق رسیدن به جوار الهی در سر او نمودار شود، نخست بایستی مجاهده تام با نفس خود نماید و وی را از خودسری و شهوت رانی و لوازم طبیعت و هرچه مهیج شهوت گردد، باز دارد و از حظوظ دنیا، قناعت کند به قدر ضرورت و ناچاری، و ریسمان اطاعت و انقیاد و بندگی پروردگار را در گردن خود بیاویزد. (47؛ raquo)

بانو امین در پاسخ سؤالی در مورد اینکه #171؛ به نظر شما در عصر حاضر بهترین جهاد برای زنان چیست؛ raquo؛ چنین فرموده است: #171؛ در موقعیت امروز، آنچه برای زنان در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که با نفس و دمخواهی های خود در مورد زر و زیور و طرز لباس پوشیدن خود و به مدل های گوناگون درآمدن، مبارزه کنند. با اینکه این کار مشکل به نظر می رسد، ولی در نتیجه، به کمال معنوی زودتر نایل می شوند. پس بهترین جهاد، حفظ پوشش زنان است. (48؛ raquo)

در پیامی که ایشان برای دختران جوان دارد، چنین آورده است: #171؛ از صفات بارز زنان، همان پاک دامنی و عفت است؛ به طوری که علمای اخلاق گفته اند: عمده شرافت زن نزد عقلا در جامعه، در عفت اوست. (49؛ raquo)

بانوی مجتهد سیده نصرت امین، خود نمونه ای از فضیلت ها بود و به بسیاری از چشمه های جوشان علم و معرفت دست یافت و سراسر عمر پربرکتش را صرف تحصیل و ترویج دین جدش نمود، و آثار گران قدری را در ابعاد دینی، علمی، ادبی، فقه، اصول، و آثار عقلی و نقلی و اخلاقی از خود به یادگار گذارد. این حکیم الهی و عارف به نفعات رحمانی، نابغه دوران و مجتهد زمان پس از یک عمر خدمت خالصانه و صادقانه در بیست و سوم خرداد ماه 1362، مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال 1403 ق، چهره در نقاب خاک کشید و به جوار رحمت الهی شتافت. یاد و خاطره اش جاودان باد. خداوند روح پرفتوح او را با اجداد طاهرش محشور نماید.

روح دانش دوستی همراه با تدبیر و تقوا و همچنین تلاش پیگیر این بانوی گرامی موجب شد تا ایشان به عنوان یکی از مظاهر موفق علم و دانش جلوه کند و دیری نپایید که طنین شهرتش در دنیای اسلام، بخصوص در مجامع فرهنگی و حوزه های علمی پیچید و سرانجام، فخر بانوان شیعه شد. این عالم جلیل القدر در طول قریب به یکصد سال عمر بابرکت خویش، خدمات شایانی به فرهنگ اسلام کرد و همچون اختری تابناک بر آسمان علم و ادب ایران درخشید. شناخت هر چه بیشتر این شخصیت و بررسی موشکافانه آثار ارزنده اش، ضرورتی انکارناپذیر است تا از ذکر خاطره اش توشه برگیریم و سیر الی الله آن عارف سالک را سرمشقی در زندگی خود ساخته، رهرو راهش باشیم.

1. دانش آموخته جامعه الزهرا، محقق و نویسنده.

2. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین و دومین کنگره بزرگداشت بانوی مجتهد سیده نصرت امین، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1374، ص 7.

3. ناهید طیّبی، زندگانی بانوی ایرانی، نشر سابقون، 1380، ص 26.

4. میرمعصوم خاتون آبادی از علما زاهد و وارسته اصفهان بود. او در سال 1155 ق وفات یافت و در نزدیک بقعه آقامحمد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون است. مشهور است که آقا محمد بیدآبادی در عالم خواب، جریان عجیبی را می بیند که کاشف از عظمت معنوی میرمعصوم بوده است. به همین دلیل، وصیت می کند که مدفن او را نزدیک میرمعصوم قرار دهند. در این اواخر نیز شخصی متوسّل به روح مقدّس آن بزرگوار می شود و به حاجت خود می رسد. بدین سبب، سنگ قبری ساخته، اشعاری را روی آن حجّاری می نماید که حاکی از جریان توسّل و موفقیت او در آن است. (ر. ک: ناهید طیّبی، پیشین، ص 28 به نقل از: محمدعلی مدرسی، ریحانة الادب، ج 5، ص 266).

5. ناهید طیّبی، پیشین، ص 28 / ناصر باقری بیدهدنی، بانوی نمونه؛ جلوه هایی از حیات بانوی مجتهد امین اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1377، ص 29.

6. علی اکبر دهخدا طایفه #171؛ جناب اصفهانی؛ raquo؛ را به صورت زیر باز می شناساند: جناب اصفهانی:

- الف. ابوطالب، فرزند میرزا نصیر از شاعران و خطاطان اصفهان در عهد سلطان حسین صفوی که سر خط نویس دیوان اعلا بود. (در تذکره القبور مصلح الدین مهدوی، سال وفات ایشان 1105 ق ذکر شده است).
- ب. فتح الله، از شاعرانی که در عهد شاه طهماسب ثانی صفوی به مقام عالی رسید و اخیراً از طرف نادرشاه مأمور شد و به فاصله 10 سال (1146 یا 1148) به امر نادرشاه به قتل رسید. (لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ج 3، ص 7861).
7. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، ص 11 / سیدمصطفی هادوی (شهیر اصفهانی)، یادنامه سیده نصرت امین، اصفهان، ص 9.
8. ناهید طیبی، پیشین، ص 32.
9. همان، ص 39 / دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، ص 11.
10. بانوی ایرانی، مقدمه اخلاق و راه سعادت، اصفهان، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست، 1371، ص 5.
11. سیدمصطفی هادوی، پیشین، ص 13 و 14.
12. ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 36.
13. همان، ص 36.
14. سیدمصطفی هادوی، پیشین، ص 20.
15. همان، ص 22 / دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، مقاله محمد الحسون، ص 296 / ناهید طیبی، پیشین، ص 285 / ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 141.
16. ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 36.
17. بانوی ایرانی، پیشین، ص 4.
18. ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 30.
19. سید مصلح الدین مهدوی، سیری در تاریخ تخت فولاد، اصفهان، انجمن کتابخانه های عمومی اصفهان، ص 87.
20. ناهید طیبی، پیشین، ص 35.
21. ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 33.
22. همان، ص 34.
23. ناهید طیبی، پیشین، ص 35.
24. ناصر باقری بیدهدنی، پیشین، ص 35.
25. همان.
26. همان، ص 35 / دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، ص 14.
27. سیدمصطفی هادوی، پیشین، ص 13 و 14.
28. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، (سخنرانی خانم دکتر شبستری)، ص 254 و 255.
29. همان.
30. بانو امین اصفهانی، روش خوشبختی، اصفهان، محمدی، ص 34.
31. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، (سخنرانی خانم غازی)، ص 158.
32. همان، ص 162 و 163.
33. محمدحسین ریاحی، «نظری بر شخصیت و زندگی بانو مجتهده امین؛ صاحب تفسیر مخزن العرفان«، روزنامه اطلاعات، ش 20019، ص 7.
34. مجموعه مقالات فرهنگی بانوان، پیشین، (سخنرانی دکتر غازی)، ص 164.
35. سیدمصطفی هادوی، پیشین، ص 47، به نقل از: حجة الاسلام والمسلمین سید کمال فقیه ایمانی.
36. ناهید طیبی، پیشین، ص 216، به نقل از مرحوم خانم فروغ امین رحمه الله، عروس خانم امین.
37. معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، بانوان عالمه و آثار آن ها، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، 1379، ص 57.
38. همان، ناصر باقری بیدهدنی، ص 40.
39. همان / معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، پیشین، ص 57.
40. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، ص 159.
41. همان، ص 164.
42. معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ص 58.
43. همان، ص 58.
44. همان.
45. همان.
46. همان، ص 59.
47. دفتر مطالعات فرهنگی بانوان، پیشین، خانم زهرا شجاعی، به نقل از کتاب سیر و سلوک، ص 146.
48. سید مصطفی هادوی، پیشین، ص 28 به نقل از: مکتب اسلام، سال 23، ش 5 (مرداد 1362)، ص 62.

